

**Readings for Holy Innocents Day**

<p><b>First Reading: Jeremiah 31: 15-17</b>          Thus says the Lord: A voice is heard in Ramah, lamentation and bitter weeping. Rachel is weeping for her children; she refuses to be comforted for her children, because they are no more. Thus says the Lord: Keep your voice from weeping, and your eyes from tears; for there is a reward for your work, says the Lord: they shall come back from the land of the enemy; there is hope for your future, says the Lord: your children shall come back to their own country.</p>	<p>خداوند می‌فرماید: "در شهر رامه صدایی شنیده می‌شود، صدای آه و ناله‌ای تلخ؛ راحیل برای فرزندان از دست رفته‌اش گریه می‌کند و تسلی نمی‌یابد. ولی ای مادر قوم من، دیگر گریه نکن، چون آنچه برای ایشان کرده‌ای، بی‌پاداش نخواهد ماند؛ فرزندان از سرزمین دشمن نزد تو باز خواهند گشت. بلی، امیدی برای آینده‌ات وجود دارد، چون فرزندان بار دیگر به وطنشان باز خواهند گشت.</p>
<p><b>Psalm 124</b>          If the Lord himself had not been on our side, now may Israel say; If the Lord had not been on our side, when enemies rose up against us; Then would they have swallowed us alive when their anger burned against us; Then would the waters have overwhelmed us and the torrent gone over our soul; over our soul would have swept the raging waters. But blessed be the Lord who has not given us over to be a prey for their teeth. Our soul has escaped as a bird from the snare of the fowler; the snare is broken and we are delivered. Our help is in the name of the Lord, who has made heaven and earth.</p>	<p>قوم اسرائیل جواب این سؤال را بدهد: "اگر خداوند با ما نمی‌بود چه می‌شد؟"          هنگامی که دشمنان درنده‌خوی ما بر ما یورش آوردند، اگر خداوند با ما نمی‌بود آنها ما را زنده می‌بلعیدند!          سیل ما را با خود می‌برد و در گردابها غرق می‌شدیم!          سپاس بر خداوند که نگذاشت ما شکار دندانهای آنها شویم.          همچون پرنده، از دام صیاد گریختیم. دام شکست و ما آزاد شدیم.          مددکار ما خداوند است که آسمان و زمین را آفرید.</p>
<p><b>Second Reading: 1 Corinthians 1:26-29</b>          Consider your own call, brothers and sisters: not many of you were wise by human standards, not many were powerful, not many were of noble birth. But God chose what is foolish in the world to shame the wise; God chose what is weak in the world to shame the strong; God chose what is low and despised in the world, things that are not, to reduce to nothing things that are, so that no one might boast in the presence of God.</p>	<p>برادران عزیز، اگر به خود که برای پیروی از مسیح دعوت شده‌اید نگاه کنید، پی خواهید برد که اکثر شما از نظر دنیوی حکیم و قدرتمند و ثروتمند نیستند. در عوض، خدا عمداً اشخاصی را برگزیده، که مانند شما در نظر مردم دنیا، نادان و ضعیف هستند، تا از این راه آنانی را که دانا و قدرتمند به حساب می‌آیند، شرمگین سازد. خدا افرادی را انتخاب کرده که طبق معیارهای دنیا از طبقات پایین و مطرود جامعه هستند. بلی، خدا همان کسانی را برگزیده که دنیا ایشان را هیچ می‌انگارد، تا نشان دهد آنانی که مهم و بزرگ بنظر می‌آیند، هیچ هستند؛ و به این ترتیب هیچکس در هیچ‌جا، نتواند در برابر خدا فخر فروشی کند.</p>
<p><b>Gospel Reading: Matthew 2: 13-18</b>          Now after the wise men had left, an angel of the Lord appeared to Joseph in a dream and said, 'Get up, take the child and his mother, and flee to Egypt, and remain there until I tell you; for Herod is about to search for the child, to destroy him.' Then Joseph got up, took the child and his mother by night, and went to Egypt, and remained there until the death of Herod. This was to fulfil what had been spoken by the Lord through the prophet, 'Out of Egypt I have called my son.' When Herod saw that he had been tricked by the wise men, he was infuriated, and he sent and killed all the children in and around Bethlehem who were two years old or under, according to the time that he had learned from the wise men. Then was fulfilled what had been spoken through the prophet Jeremiah: 'A voice was heard in Ramah, wailing and loud lamentation, Rachel weeping for her children; she refused to be consoled, because they are no more.'</p>	<p>پس از رفتن ستاره‌شناسان، فرشته‌ی خداوند در خواب بر یوسف ظاهر شد و گفت: "برخیز و کودک و مادرش را برداشته، به مصر فرار کن، و همانجا بمان تا تو را خبر دهم؛ زیرا هیرودیس پادشاه می‌خواهد کودک را به قتل برساند." یوسف همان شب مریم و کودک را برداشت و بسوی مصر رفت، و تا زمان مرگ هیرودیس در آنجا ماند. یکی از انبیاء قرن‌ها پیش درباره‌ی این موضوع پیشگویی کرده و گفته بود: "پسر خود را از مصر فرا خواندم." اما وقتی هیرودیس متوجه شد که ستاره‌شناسان از دستور او سرپیچی کرده‌اند، بسیار خشمگین شد و سربازانی به بیت‌لحم فرستاد تا تمام کودکان دو ساله و کمتر را که در آن شهر و در تمام حومه‌ی آن بودند قتل عام کنند، زیرا طبق گفته‌ی ستاره‌شناسان، ستاره دو سال پیش از آن ظاهر شده بود. این رفتار بی‌رحمانه‌ی هیرودیس را قبلاً آرمیای نبی چنین پیشگویی کرده بود:          "صدای گریه و ماتم از رامه به گوش می‌رسد. راحیل برای فرزندان می‌گرید و آرام نمی‌گیرد، چون فرزندانش مرده‌اند."</p>